

زندگی همین لحظه‌هاست

زندگی مجموعه‌ای از روزها و ماه‌ها و سال‌هاست؛ روزهایی که به شتاب می‌گذرند و هرگز بازمی‌گردند.

می‌گویند وقت طلاست ولی بدون تردید وقت از طلا گران‌بهاتر است؛ زیرا با صرف وقت می‌توان طلا به دست آورد ولی دقایق تلف شده را با طلا نمی‌توان خرید.

چه بسیارند آنانی که وقت خود را بیهوده تلف می‌کنند. گویی قرن‌های طولانی در این جهان زندگی خواهند کرد. اگر پولشان کم شود، دل آزرده می‌شوند و در جست و جوی آن دنیا را زیر و رو می‌کنند اما هرگز از تلف شدن وقت خویش نگران و ناراحت نمی‌شوند.

عمر حقیقی را، شناس نامه‌ی ما تعیین نمی‌کند. زیستن و زندگی زیبا، تنها همان فرصت‌هایی است که با رفتارهای زیبا و کارهای بزرگ می‌گذرد.

می‌گویند، اسکندر در اثنای سفر به شهری رسید و از گورستان عبور کرد. سنگ مزارها را خواند و به حیرت فرو رفت؛ زیرا مدت حیات صاحبان قبور که بر روی سنگ‌ها حک شده بود، هیچ‌کدام از ده سال تجاوز نمی‌کرد. یکی از بزرگان شهر را پیش خواند. به او گفت: «شهری به این صفا، با هوای خوب و آب گوارا، چرا زندگی مردمش چنین کوتاه است؟» آن مرد بزرگ پاسخ داد: «ما زندگی را با نظری دیگر می‌نگریم، زندگی به خوردن و خفتن و راه رفتن نیست. اگر چنین باشد، ما با حیوانات تفاوتی نداریم. زندگی حقیقی آن است که در جست و جوی دانش و یا کار مفید و سازنده بگذرد. با این قرار، هیچ‌کس بیش از پنج و شش و حداکثر ده سال زندگی نمی‌کند؛ زیرا قسمت اعظم عمر به غفلت سپری می‌شود».

کسی در زندگی، موفق است که اکنون و فرصت حال را دریابد و همیشه فکر کند که بهترین فرصت من امروز است. امروز را به فردا افکندن و به امید آینده نشستن، کار درستی نیست. هم‌چنان که امروز را به یادآوری گذشته‌های از دست رفته، گذراندن و افسوس خوردن نیز شایسته نیست. ختام شاعر بزرگ ایرانی گفته است:

از دی که گذشت هیچ از او یاد مکن فردا که نیامده است فریاد مکن

بر نمانده و گذشته نبیاد مکن حالی خوش باش و عمر بر باد مکن

آیا منظور از خوش بودن در این شعر، خنده‌های بی‌هوده و خوش‌گذرانی و به قول بعضی‌ها
خوش بودن است؟ «نه»؛ خوشی واقعی، دل‌های دیگران را شاد کردن، کره از کار دیگران
کشودن و با دیگران خندیدن است که خدا دوستدار کسانی است که شادی‌های خود را با دیگران
تقسیم و غم را از دل دیگران منهای کند.

می‌گویند قدر وقت را بدانید و دقایق گران‌بها را بی‌هوده از دست ندهید. مقصود این
نیست که دائماً در کوشش و اضطراب[?] باشید و راحت و آرام بر خود حرام کنید. ساعاتی که در
مصاحبت دوستان[?] می‌گذرد یا برای گردش و ورزش و بازی‌های تفریحی مصرف می‌شود، در
ردیف اوقات تلف شده نیست.

وقتی زیبایی‌های آفرینش را می‌بینیم، وقتی سبزه‌ها، گل‌ها، درختان، آسمان آبی یا پرستاره
را با شگفتی و اعجاب مرور می‌کنیم و یا بر ساحل دریا، یا رودخانه می‌نشینیم، وقت خود را تلف
نکرده‌ایم. این‌ها جزء زندگی است به خصوص اگر با تأمل[?] و فکر و عبرت[?] همراه باشد.

زندگی همین لحظه‌هاست و از دست دادن فرصت‌ها جز غصه و اندوه چیزی همراه ندارد.

این سخن زیبای نهج‌البلاغه یادمان باشد: «فرصت‌ها مثل گذشتن ابرها می‌گذرند،

فرصت‌های خوب و عزیز را دریابید».

عباس اقبال آشتیانی، با تلخیص